



در این شماره می‌خوانید:
صورت جلسه ماه نوامبر ۲۰۱۳
یادی از سهراب سپهری
بابا طاهر عریان همدانی
در حاشیه نمایشگاه عکس رضا دقتی
تشکر نامه
معرفی شخصیت‌ها: مارسل پروست
نامه
پاسخ به نامه

انجمن تاکسیران یک انجمن مستقل و دموکراتیک، صنفی و فرهنگی است
«ماهنامه انجمن»، زیر نظر هیئت مدیره انجمن تاکسیران

صورت جلسه ماه نوامبر ۲۰۱۳

جلسه عمومی ماه نوامبر انجمن اختصاص به معرفی کاندیداهای هیئت مدیره سال آینده (۲۰۱۴) داشت. در ابتدا سخنگوی هیئت مدیره با تشکر و قدردانی از کلیه نامزدهای انتخاباتی هیئت مدیره سال ۲۰۱۴، از آنها تقاضا کرد که خود را معرفی کرده و به تشریح برنامه‌های آینده خود در راستای هدف‌های انجمن بپردازند. سپس نامزدهای انتخاباتی هیئت مدیره یکی پس از دیگری توضیحاتی در رابطه با برنامه‌های خود در هیئت مدیره سال آینده را دادند که محور اصلی هدف‌های کاندیداها بیشتر روی مسائل زیر قرار داشت:

کمک و همیاری، اندوختن تجربه در کارهای جمعی، خدمتگزاری برای انجمن و اعضای آن، پویایی و فعال شدن بیشتر انجمن در بُعدهای فرهنگی، ادبی و مخصوصاً صنفی.

مرحله بعدی جلسه عمومی انجمن، بحث آزاد بود که با سخنان نماینده هیئت مدیره در رابطه با مسائل گذشته شروع شد. ایشان متذکر شد که ادامه بحث در مورد مسائلی که در گذشته در انجمن واقع شده است بیهوده و به نفع پیشرفت و پویایی انجمن نمی‌باشد و بهتر است که مسائل گذشته فراموش شود و اعضای محترم انجمن فعالیت خود را بیشتر برای بهبودی اوضاع صنفی صرف کنند، که با تأیید اعضای حاضر در جلسه روبرو شد.

سپس در بخش سؤال و جواب از کاندیداهای هیئت مدیره یکی از اعضای در مورد نحوه کار و ادامه انتشار ماهنامه انجمن از یکی از کاندیداهای انتخاباتی سئوالاتی را مطرح کرد که کاندیدای مورد نظر در این مورد توضیح داد که ماهنامه را به طور منظم و مرتب مطالعه می‌کند و کار نشریه خوب و محتوای آن در سطح عالی می‌باشد و اگر در ماهنامه انجمن صفحه آزاد ایجاد شود بهتر است مقالات به صورت طنز و علائم و یا سمبل‌ها، مطرح شوند.

در ادامه بحث آزاد یکی از اعضای انجمن بیان کرد که متأسفانه تعداد کاندیداهای انتخاباتی هیئت مدیره سال آینده کم است و اعضای محترم انجمن به یاد داشته باشند که مهمترین وظیفه هر عضو، کمک و همیاری و همکاری برای بالا بردن منافع معنوی انجمن می‌باشد و به هر اندازه که تعداد کاندیداها زیاد باشند، بطور مستقیم به ارزش کار انجمن اضافه می‌شود. ایشان همچنان بطور خلاصه مطالبی در باره تاریخچه نشریه بیان کرد، که در ابتدای تأسیس انجمن، انتشار ماهنامه با پخش صورت جلسات انجمن و به صورت دست‌نویس شروع شد و بعد به ضرورت اوضاع و موقعیت و بنا به خواست اعضای به نشریه

تبدیل شد و در حال حاضر بُعد فرهنگی این ماهنامه زیاد شده است. ایشان در ادامه سخنان خود متذکر شد که مقالات ماهنامه انجمن به وسیله چند نفر (هیئت تحریریه و هیئت مدیره) مورد بررسی قرار می‌گیرد و در مواردی از کارشناسان ادبی و حتی حقوقی کمک گرفته می‌شود و ناگفته نماند که حتی مسئولان تایپ و تنظیم و چاپ ماهنامه از افراد باتجربه و متخصص در امور ادبی و مخصوصاً فرهنگی می‌باشند و اگر مشکلی یا مسئله‌ای در مقالات و متون ماهنامه وجود داشته باشد به ما گوشزد می‌کنند.

در پایان جلسه عمومی انجمن، نماینده هیئت تحریریه یادآوری کرد که این جلسه طبق روال هر ساله (از حدود سال ۲۰۰۷) و بنا به تصمیم هیئت مدیره، اختصاص به معرفی کاندیداهای سؤال و جواب از آنها در مورد هدف‌های انجمن و برنامه‌های آینده آنها برای انجمن دارد و از اعضای حاضر در جلسه انجمن درخواست شد که اگر سئوالی از نامزدهای انتخاباتی دارند، انجام دهند. موفق و پیروز باشید.

هیئت تحریریه انجمن

XXXXXXXXXX

یادی از سهراب سپهری

دوستان عزیز سلام. در نشریه ماه قبل انجمن مقاله‌ای بود مربوط به سهراب سپهری. نظر به اینکه شاید تعدادی از دوستان عزیز شناخت جامعی از او نداشته باشند، به این دلیل در صدد تهیه این مقاله برآمدم که امیدوارم مورد پسند دوستان قرار گیرد.

در ۱۵ مهرماه ۱۳۰۷ در شهر کاشان پسر متولد شد که نامش را سهراب نهادند. او تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در این شهر انجام داد و پس از اتمام تحصیل به دانشسرای مقدماتی تهران راه یافت و پس از گذراندن دوره دو ساله به استخدام آموزش و پرورش کاشان درآمد و اولین شعرش را به نام «بیمار» سرود. او در سال ۱۳۲۷ از آموزش و پرورش استعفا داد و به دانشکده هنرهای زیبای تهران راه یافت و در خرداد سال ۱۳۳۲ لیسانس هنرهای زیبا را در رشته نقاشی به پایان رساند و با رتبه اول به دریافت نشان درجه اول علمی نایل آمد.

سهراب سپهری شاعری است که در زمینه شعر و هنر مجموعه نسبتاً عظیمی را از خود با یادگار گذاشته است. وی با دید خاص جهان و پدیده‌های آنرا در اشعارش تصویر کرده است. جهان سپهری جهانی است آرمائی که برای شناخت آن باید نخست با دیدگاه‌ها و جهان‌بینی وی آشنا شد و سپس سعی کرد با دید او جهان را تماشا کرد، جهانی که صد البته برای همگان قابل لمس نیست. به همین جهت شعرش را تنها اندکی

می‌توانند به دقت و درستی درک کنند. به عبارت دیگر شعر سپهری شعری است خاص که تنها کسانی که با وی اشتراک فکری و بینشی دارند، می‌توانند آن را فهم کرده و با آن ارتباط برقرار کنند. دغدغه سپهری دنیوی و مادی نیست، از این رو با درد و رنج روزمره مردم و جامعه بیگانه است. در حقیقت سپهری درد بزرگتری دارد، درد او شناخت جهان و تصویر پدیده‌های آن است بدانگونه که باید دیده و شناخته شود. در جهان او همه چیز زیبا و دوست‌داشتنی است. ولی نباید فراموش کرد که سپهری برای رسیدن به جهان آرمانی خویش از همین جهان مادی و عام همگانی می‌گذرد و دست به سفری طولانی می‌زند. او سال‌هایی از عمر خود را در هند و ژاپن گذراند. زندگی در خاور دور و آشنایی با عرفان بودایی در شعر و نقاشی او تأثیر بسیار گذاشت. مجموعه آثار او به نام «هشت کتاب» منتشر شده است. او در سال ۱۳۵۹ در تهران درگذشت.

شعر سپهری رنگارنگ است و خواننده را به افق‌های تازه می‌کشاند. سپهری روح شاعرانه و لطیفی داشت که برای هر چیز معنی و مفهومی خاص قائل بود. تخیل وی در همه اشیاء باریک می‌شد و از آنها تصویر زنده و حساسی می‌ساخت. بدین علت است که اندیشه‌ها و تجربه‌های فکری و عاطفی او به حالتی دلپذیر درآمده است. سهراب سپهری دارای سبک ویژه‌ای است که می‌توان او را بنیانگذار این شیوه دانست. در واقع می‌توان گفت قابل توجه‌ترین اتفاق در عرصه شعر نو در سال ۱۳۳۲ چرخش سهراب سپهری از زبان نیمائی به زبان هوشنگ ایرانی است (سراینده «جیغ بنفش»). اهمیت این اتفاق از آن جهت بود که در آن سال‌ها متأثرین از نیما فراوان بودند ولی کسی به زبان هوشنگ ایرانی و زیبایی‌شناسی او وقوف نداشت. سپهری تنها شاعر متأثر از درک هوشنگ ایرانی بود که زبان او را تا حد چشمگیری تکامل بخشید و اگر این نبود یکی از ظریف‌ترین و پُرطرفیت‌ترین دست‌آوردهای شعر نو نیمه‌کاره و ناقص می‌ماند. سهراب سپهری در شعر با زبان ساده و بسیار نزدیک به زبان محاوره انسان‌ها را نگریستن دقیق در طبیعت و نزدیک شدن به آن دعوت می‌کند. او محیط خود و عصری را که در آن می‌زیست در جستجوی عالمی والاتر و برتر بود.

آب

آب را گل نکنیم

در فرودست انگار، کفتری آب می‌خورد

یا که در بیشه دور، سیرهای پر می‌شود،

یا در آبادی، کوزه‌ای پر می‌گردد.

آب را گل نکنیم

شاید آب روان، می‌رود پای سپیداری، تا فرو شوید

اندوه دلی.

دست درویشی شاید، نان خشکیده فرو برد در آب
زن زیبائی آمد لب رود،
آب را گل نکنیم
روی زیبا دو برابر شده است.
چه گوارا این آب!
چه زلال این رود!
مردم بالادست چه صفائی دارند!
چشمه‌هاشان جوشان، گاوهاشان شیرافشان باد!
من ندیدم دهشان،
بی‌گمان پای چپرهاشان جا پای خداست
ماهتاب آنجا می‌کند روشن پهنای کلام.
بی‌گمان در ده بالادست، چینه‌ها کوتاه است.
مردمش می‌دانند که شقایق چه گلی است.
بی‌گمان آنجا آبی، آبی است،
غنچه‌ای می‌شکفت، اهل ده باخبرند.
چه دهی باید باشد!
کوچه باغش پر موسیقی باد!
مردمان سیر رود آب را می‌فهمند.
گل نکردنش، ما نیز
آب را گل نکنیم.

داود

XXXXXXXXXX

بابا طاهر عریان همدانی

بابا طاهر از مشایخ معروف تصوف و از شاعران اواسط قرن پنجم هجری (قرن یازدهم میلادی) بوده است. ولادت او در اواخر قرن چهارم هجری اتفاق افتاد و وفات او در سال ۴۱۰ (۱۰۱۹ میلادی). از او مجموعه‌ای از کلمات قصار به عربی باقی مانده که در آنها نکات مختلفی در باره احوال گوناگون عرفا بیان کرده است. دیگر مجموعه ترانه‌های اوست به لهجه لری. این اشعار بسیار لطیف و پر از عواطف و معانی دل‌انگیز است، لیکن بر اثر کثرت اشتها و متداول بودن میان عامه در آنها تصرفاتی صورت گرفته و این امر غالب آن ترانه‌ها را از صورت اصلی خارج نموده است. نمونه‌ای از دوبیتی‌های او را در زیر بخوانید:

یکی برزیگری نالان در این دشت

بچشم خون نشان آلاله می‌گشت

همی کشت و همی گفت ای دریا

که باید کشتن و هشتن در این دشت

خوشا آنان که از پا سر ندونند

میان شعله خشک و تر ندونند

کنشت و کعبه و بتخانه و دیر

سراییی خالی از دلبر ندونند

در حاشیه نمایشگاه عکس رضا دقتی (حقوق پایه‌ای)

در محوطه جلوی شهرداری پاریس از تاریخ ۱۶ تا ۲۴ نوامبر (در شانزدهمین هفته همبستگی بین‌المللی)، نمایشگاه عکسی از رضا دقتی عکاس مشهور ایرانی، در رابطه با احقاق حقوق پایه‌ای و طبیعی انسان‌ها در سراسر دنیا، برپا بود.

عکس‌ها که خود به تنهایی گویای کمبودهایی است که بخشی از حقوق طبیعی انسان‌هاست مثل: حق بهره‌مندی از آب، حق بهره‌مندی از مواد غذایی، حق دسترسی به معالجات پزشکی، حق دسترسی به آموزش، حق بهره‌مندی از حقوق مدنی، حق اجازه مهاجرت، حق داشتن کار.

رضا دقتی در مورد عکس‌هایش اینطور می‌گوید: «گرچه این عکس‌ها شاهدان غم‌های ناشی از زندگی تکه تکه شده انسان‌ها در دنیاست ولی همین عکس‌ها، لیخند را در پشت اشک‌ها، زیبایی را در پشت تراژدی و زندگی را از مرگ قوی‌تر نشان می‌دهند».

در یکی از عکس‌ها که مربوط به بهره‌مندی از حقوق اجتماعی است، چهره یک مرد فرانسوی که در مقابل صفحه شطرنج نشسته است، نظرم را جلب کرد.

«ژو بریان» (Jo Briant) استاد سابق فلسفه و انترمون‌دیالیست، کسی که در سن ۷۷ سالگی هنوز شور و هیجان و روحیه انقلابی‌اش را علیه هر شکلی از بی‌عدالتی، از دست نداده است.

او می‌گوید: «همه چیز برای او از سال ۱۹۵۸ در شهر گرونوبل در بحبوحه جنگ الجزایر شروع شد، زمانی که پای صحبت‌های همکلاسی‌های دانشگاهی‌اش که الجزایری بودند، می‌نشست».

این صحبت‌ها وجدانش را بیدار کرد و آغازی بود برای یک زندگی مبارزاتی برای دنیایی بهتر که در آن به حداقل حقوق انسان‌ها ارزش گذاشته شود.

پس از آن، «ژو بریان» در تمام مبارزات و برای تمام انگیزه‌های انسانی حضور داشت. او در یک بررسی صریح می‌پذیرد که پیروزی‌هایی به دست آمده در جهان مثل: پایان استعمار و پایان آپارتاید، به رسمیت شناختن حق آب، و یا امضای عهدنامه‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی برای دفاع از انسان، نتیجه به مصاف کشیدن بی‌عدالتی‌های موجود در جهان است.

با وجود این او نتیجه می‌گیرد که هنوز خیلی از کارها انجام نگرفته است و طی سی سال گذشته

ز دست دیده و دل هر دو فریاد

هر آنچه دیده بیند دل کند یاد
بسازم خنجری نیشش ز پولاد
زنم بر دیده تا دل گردد آزاد

مرا نه سر، نه سامان آفریدند
پریشانم پریشان آفریدند
پریشان خاطران رفتند در خاک
مرا از خاک ایشان آفریدند

مو آن رندم که نامم بی قلندر
نه خوان دیرم نه مان دیرم نه لنگر
چو روز آیه بگردم گرد کویت
چو شو آیه بخستی وانهم سر

دو زلفونت بود تار ربابم
چه می‌خواهی ازین حال خرابم؟
تو که با ما سر یاری نداری
چرا هر نیمه شب آئی بخوابم؟

نسیمی کز بن آن کاکل آییو
مرا خوشتر ز بوی سنبل آییو
چو شو گیرم خیالت را در آغوش
سحر از بستم بوی گل آییو

ته که نوشم نه ای، نیشم چرائی؟
ته که یارم نه ای پیشم چرائی؟
تو که مرهم نه ای ریش دلم را
نمک‌پاش دل ریشم چرائی؟
جواد

شعری از پابلو نرودا

آرام آرام مردن را آغاز می‌کنی
اگر به نواهای زندگی گوش فرا ندهی
اگر برده عادت خود شوی
اگر همیشه از یک راه مکرر بروی.
آرام آرام مردن را آغاز کرده‌ای
اگر روز مرگی را تغییر ندهی،
اگر رنگ‌های متفاوت به تن نکنی،
اگر برای مطمئن در نامطمئن خطر نکنی.
امروز زندگی را آغاز کن،
امروز خطر کن،
امروز کاری بکن،
نگذار به آرامی بمیری.

تهیه و تنظیم از جواد

شکاف بین نابرابری‌ها بیشتر شده و با «مالی شدن» اقتصاد جهانی، بی‌عدالتی‌ها افزایش یافته است. «ژو بریان» برای مبارزه علیه منشأ بی‌عدالتی‌ها، طرد اجتماعی و نابرابری‌ها، با همبستگی بین‌المللی همکاری می‌کند. او معتقد است که باید ریشه مصائب را یافت و درمان کرد و انگشت گذاشتن بر معلول‌ها کاری خطاست. او می‌گوید: «اگر قدرت داشتیم تمام وام‌های کشورهای مقروض را فسخ می‌کردم مخصوصاً کشورهای مستعمره سابق».

او تأکید می‌کند: «کسانی که کشورهای دیگر را استعمار کرده‌اند به کشورهای مستعمره مدیونند. بنابراین قرض در مقابل قرض بهتر است ملغی شود». «ژو بریان» چه آرزویی دارد؟ دنیائی بدون جنگ، بدون طرد از جامعه، بدون گرسنگی، دنیائی که حداقل حقوق انسانی به رسمیت شناخته شود. او آرزو دارد که همه مردم دنیا از یک درآمد واحد حداقل بهره‌مند باشند و این یعنی یک انقلاب اجتماعی، اقتصادی و سیاسی. او با لبخندی می‌افزاید: «برای الهام بخشیدن به مبارزه باید آرزوهائی در سر پروراند!»

زهرة

XXXXXXXXXX

تشکر نامه

به دور از قیل و قال و جار و جنجال تمام شد دورهٔ پر بار امسال دم هیئت مدیره واقعاً گرم امیدواریم شود تکرار هر سال

رئیس‌اش با سلوکی عارفانه سکوتی داشت، یک کم زیرکانه! هدایت کرد امسال انجمن را مژ بازی شطرنج ماهرانه

مدیرش پر انرژی پر حرارت سخن‌گویی صبور و باصراحت ز جنجال و حدیث و حرف و دعوا نمود پرهیز، با زور و متانت!

حسابدارش بسی خوش رو و خوش خو خیال بچه‌ها آسوده از او ز بسکه حرص خورد از بدحسابان نمانده بر سرش جز چند خال، مو!

ستودن دارد این زهره چو نامش زهی بر پشتکار و بر مراسم شده کاندید، باز هم بهر یاران خدایا رحم کن بر روزگارش

نگو محسن، بگو محسن مددکار رو حرفش صادق و در کار پایدار کمک کرد انجمن را خالصانه امیدواریم بیارد رأی این بار

شبای انجمن شطرنج و رامی برای خیلی‌ها یک لقمه شامی بیمارزد خدا اموات تورج که وقتی بود، نبود بی‌احترامی!

تمام شد بچه‌ها خسته نباشید الهی سالم و پاینده باشید برای انجمن یار وفادار برای نشریه پوینده باشید

صفا

XXXXXXXXXX

معرفی شخصیت‌ها:

مارسل پروست (۱۸۷۱-۱۹۲۲)

والنتین لوئی ژرژ اوژن مارسل پروست (Marcel Proust) یکی از نویسندگان بزرگ اوائل قرن بیستم فرانسه است که در سال ۱۹۱۸ بخاطر رمان «در سایهٔ دوشیزگان شکوفا» جایزهٔ ادبی گنکور را گرفت. در واقع این رمان که جلد دوم از هفت جلد رمان «جستجو» است با شش رمان دیگر تحت عنوان «در جستجوی زمان از دست رفته» (A la recherche du temps perdu) به چاپ رسیده و به قول اکثر صاحب‌نظران ادبی رمان شاهکار قرن بیستم فرانسه می‌باشد که پروست یک دهه از زندگی‌اش را وقف نوشتن آنها کرده است. این اثر به وسیله مهدی سبحانی در هفت جلد به زبان فارسی ترجمه شده و در ایران به وسیله نشر مرکز در سال ۱۳۷۷ به چاپ رسیده است.

زندگی‌نامه: مارسل پروست در دهم ژوئیه ۱۸۷۱ در محله اشرفی پاریس (Auteuil) زاده شد. پدر او آدرین پزشک سرشناس و مادرش ژان دختر یک دلال ثروتمند بورس بود. مارسل در سال ۱۸۸۲ وارد مدرسه کندرسه شد و با موفقیت در رشته ادبی دبیرستان را تمام کرد. او به هنر و ادبیات و فلسفه

است. او در کارهایش تصویری از snobisme قشر بورژوا و آریستوکرات می‌دهد که خودش نیز از این قشر بیرون آمده، بدون اینکه علیه نظام اجتماعی قیام کند.

رمان «در جستجوی زمان از دست رفته» شاهکار او به نوعی تاریخ وجدان است. تمام این رمان به زمان گذشته و اول شخص نوشته شده ولی در زمان حال است که آگاهی روایت‌گر، مشاهده‌گر و بازیگر را آشکار می‌کند. در واقع پروست به جهانی که آگاهی او را شکل داده نظاره می‌کند و به قلم می‌کشد. از جمله نویسندگانی که بعدها تحت تأثیر سبک او بودند می‌توان از ساموئل بکت، ژان کوکتو، نجیب محفوظ، ویرجینیا ولف، ولادیمیر ناباکوف و غیره نام برد. مارسل پروست به خاطر مشکلات سلامتی کمتر زیست و در پنجاه و یک سالگی از دنیا رفت. آرامگاه او در پراشز است.

رسول

XXXXXXXXXX

نامه

پیشنهاد یکی از دوستان در مورد چگونگی برگزاری جلسه مجمع عمومی آخر سال که مربوط به انتخاب هیئت مدیره جدید است، من را به نوشتن این مطلب واداشت. دوست ما پیشنهاد داد (مورد قبول هیئت مدیره هست یا نیست، اطلاع ندارم) که در جلسه انتخاب مسئولین جدید هیچکس حق سؤال کردن از کاندیداها را نداشته باشد و صحبت‌های کاندیداها و سؤال جواب‌هایی که در جلسه ماقبل مجمع عمومی بیان شده ملاک قرار گیرد!!! من از روز تأسیس انجمن عضو آن بوده و به همراه دو سه نفر دیگر از دوستان قدیمی‌ترین افراد انجمنیم. دوستان دیگری نیز اتفاقات انجمن را در مغز خود حکاکی کرده‌اند. تمامی این دوستان را شاهد می‌گیرم که آیا ما هیچگاه بدین شکل رفتار کرده‌ایم؟ اکنون که این شیوه غیراصولی را عملکرد همیشگی انجمن معرفی می‌کنید؟ (سال گذشته نیز این شیوه پیش گرفته شد، در همان جلسه اعتراض کردم، جواب داده شد این شیوه انجمن بوده و کسی حق صحبت کردن ندارد، خود پیشنهاد دهند «جلسه بدون سؤال» شاهد این ادعاست).

دوستان، در جلسه ماقبل انتخابات، اولاً تمامی رأی‌دهندگان شرکت ندارد که صحبت‌های

خیلی علاقمند بود، ولی در دانشکده حقوق و علوم سیاسی ثبت نام کرد (شاید به اصرار والدین) و در ضمن با مجلات مختلف از جمله Revue Lilas همکاری داشت و پایش کم کم به محافل اشرافی باز شد. در دانشکده به کلاس‌های هانری برگسون که در مورد «Les données immédiates de la conscience» بود خیلی علاقه نشان می‌داد.

در سال ۱۸۹۲ همکاری را با نشریه Le Banquet شروع کرد. در این نشریه پانزده مقاله از وی چاپ شد که بعدها در کتاب «خوشی‌ها و روزها» منتشر شد. در این سال او همچنین با آناتول فرانس آشنا می‌شود. از آنجائیکه اخذ لیسانس حقوق اشتباهی ادبی او را ارضا نمی‌کرد، با رفت و آمد به دانشکده ادبیات دانشگاه سوربن و آشنایی با محافل ادبی فعالیتش را با مقالات و نقد ادبی دنبال کرد و چون احتیاج مادی نداشت در کتابخانه مازارین (Mazarine) با تیر افتخاری مشغول به کار شد و در مارس ۱۸۹۵ رمان «بی‌اعتنا»ی وی در نشریه زندگی معاصر چاپ شد. در سال ۱۹۰۳ فوت پدر و سپس در سال ۱۹۰۵ از دست دادن مادر او را سخت آزرده کرد. ولی از طرف دیگر دست او را باز گذاشت تا در مورد نحوه زندگی طبقه اشراف و بورژوا بی‌پروا اظهار نظر کند. در این رابطه مقالات او در باره سالن‌های پارسی در روزنامه فیگارو چاپ می‌شد، ولی حال او چندان مساعد نبود و از بیماری آسم رنج می‌برد. با سکونت در شماره ۱۰۲ بلوار هوسمن پروست خود را بیشتر منزوی می‌کند. این تنهایی و خلوت‌گزینی فرصتی بود تا در خاطرات خود غوطه‌ور شده و اولین جلد «جستجو» را تحت عنوان «Du côté de chez Swann» در سال ۱۹۱۳ به اتمام برساند. ولی چاپ آن با مشکلاتی مواجه بود و بالاخره انتشارات «برنار گراسه» قبول می‌کند با خرج نویسنده آنرا به بازار عرضه کند. از این تاریخ تا مرگش یعنی هیجده نوامبر ۱۹۲۲ او با پشتکار فراوان شش جلد دیگر مجموعه «جستجو» را با عنوان‌های مختلف به پایان رسانید و همانطور که در بالا اشاره شد در سال ۱۹۱۸ با کسب جایزه گنکور به شهرت رسید.

آثار و سبک مارسل پروست تأثیر عمیقی بر تحول آتی رمان در فرانسه داشته است. در واقع برای اولین بار نویسنده‌ای خود را در گذشته‌اش غوطه‌ور کرده و سعی می‌کند زمان خود را آگاهانه به نقد بکشد که به نوعی روانکاوی خویشتن نیز

پاسخ به نامه

دوست و همکار عزیزی از انجمن، نامه‌ای خطاب به هیئت مدیره نوشته است که در نشریه این ماه به چاپ آن مبادرت می‌ورزیم. جواب این نامه برحسب معمول می‌بایست در شماره آینده می‌آمد ولی از آنجائی که محتوای نامه مربوط به انتخابات و نحوه برگزاری آن است و همچنین این نامه قبل از انتخابات به دستمان رسید لازم دیدیم که چند سطری را برای روشن شدن موضوع بنویسیم.

مجمع عمومی انجمن بالاترین قدرت تصمیم‌گیری را دارد و هیئت مدیره، منتخب اعضاء در مجمع عمومی است و طبق اساسنامه و آئین‌نامه داخلی و تصمیمات مصوبه مجمع عمومی انجمن عمل می‌کند. هیئت مدیره، در مواردی با توجه به حفظ منافع اعضای انجمن و لطمه وارد نیاروندن به حیثیت فردی و حقوقی آنان، مجبور به اتخاذ تصمیماتی می‌شود که خارج از تصمیمات مصوبه مجمع عمومی است. به عنوان مثال، زمان‌بندی انتخابات هیئت مدیره انجمن که شامل، معرفی کاندیدها، ارائه برنامه‌های آنها، پرسش و پاسخ پیرامون برنامه‌های ارائه داده شده، پخش بولتن رأی‌گیری و شمارش آراء است. با توجه به افزایش تعداد اعضای انجمن، هیئت مدیره‌های دوره‌های قبل، در عمل متوجه شدند که در مجمع عمومی سالانه ماه دسامبر، فرصت کافی برای این منظور نیست، لذا تصمیم گرفتند که معرفی کاندیدها، اعلام برنامه‌هایشان و پرسش و پاسخ از کاندیدها را در ماه نوامبر انجام بدهند و در مجمع عمومی سالانه ماه دسامبر به دلیل حضور اکثریت اعضا در جلسه، کاندیدها فقط یکبار دیگر خود را معرفی و برنامه‌شان را تشریح کنند و مرحله بعد رأی‌گیری و شمارش آراء انجام گیرد.

از آنجا که این روش برنامه‌ریزی منافاتی با منافع اعضا و کاندیدها نداشت، هیئت مدیره این دوره (یعنی ما) نیز از آن استقبال کردیم. این شیوه بر بستری از خلوص نیت و نه خلاف آن انجام گرفته است و صرفاً به دلیل ساده تکنیکی یعنی زمان‌بندی در انتخابات بوده است.

البته این حق دموکراتیک تمام اعضای انجمن است تا در مواردی که برایشان ابهامی وجود دارد، سئوالات خود را مطرح کنند و مطمئن باشند که هیچ گونه غرضی برای زیر پا گذاشتن اصول دموکراتیک در بین نیست و هر تصمیمی در این زمینه حق مسلم مجمع عمومی است.

هیئت مدیره انجمن تاکسیران

کاندیدها را بشنوند و قضاوت کنند. دوماً چند نفری از کاندیدها غایبند (مثل همین امسال) و بالطبع کسی صحبت‌هایشان را نشنیده. سوماً جلسه ماقبل آخر مجمع عمومی نیست که تعیین کننده باشد. و چندین دلیل دیگر در رد این پیشنهاد که در حوصله این مطلب نمی‌گنجد. (تذکره هم که اگر حتی تاکنون شیوه کار انجمن اینچنین بوده!! که نبوده، به دلائل بیان شده در بالا شیوه کارمان نادرست بوده است). مجمع عمومی انجمن تاکسیران به عنوان بالاترین مرکز تصمیم‌گیری، توسط سه نفر انتخاب شده در جلسه مجمع اداره می‌شود که به ریاست آنان، مجمع گزارش کار هیئت مدیره رفتنی را شنیده، نظرش را در مورد آن بیان می‌کنند (تاکنون معمولاً نظری آنچنانی بیان نشده). به هر کاندیدایی فرصت معرفی کردن خود و برنامه‌هایش برای انجمن را می‌دهد، سپس در پایان صحبت کاندیدها، اگر کسی سئوالی از آنها (از همه و نه فقط از یک نفر) داشته باشد مطرح می‌کند و بعد از سئوال و جواب‌ها که همه «رأی‌دهندگان» آنرا شنیدند، رأی‌گیری شروع می‌شود. سئوالات خود از کاندیدهای امسال را مطرح می‌کنم که فرصت کافی برای جواب آماده کردن به آنرا داشته و برخلاف شیوه غیردموکراتیک سال گذشته، کاندیدا و رأی‌دهنده نقش خود را در انتخابات ایفا کرده باشند.

۱ - آیا ایده جدیدی برای اداره صندوق مالی در نظر دارید؟

۲ - آیا چک تضمینی مقروضین و ضامن‌های آنان را که به موقع وام خود را بازپرداخت نکرده‌اند به حساب می‌گذارید؟

۳ - نظر شما در مورد نشریه انجمن چیست؟ اگر موافق ادامه انتشار آن هستید، چه شیوه کاری را پیشنهاد می‌کنید؟

۴ - نظر و برنامه شما برای برگزاری جشن نوروز و مهمانی آخر سال و پیک‌نیک انجمن چیست؟

۵ - آیا هدف و برنامه خاصی برای مدت مسئولیت خود در نظر دارید؟

با آرزوی موفقیت کاری هیئت مدیره جدید و با تشکر از هیئت مدیره ۲۰۱۳.

مظفر

XXXXXXXXXX

ASSEMBLÉE GÉNÉRALE ASSOCIATION TAXIRAN

دعوت به مجمع عمومی

انجمن تاکسیران

Lundi 02 décembre 2013 à 19 h 00

دوشنبه ۲ دسامبر سال ۲۰۱۳ ساعت ۱۹,۰۰

اعضای محترم انجمن تاکسیران

مجمع عمومی سالیانه انجمن تاکسیران برای انتخابات هیئت مدیره سال آینده ۲۰۱۴، دوشنبه ۲ دسامبر، در رستوران الهام، تشکیل می‌شود. حضور هرچه بیشتر شما در این جلسه فوق‌العاده باعث رشد و پویایی و اعتماد و اطمینان به انجمن شده و موجب پیشرفت اهداف فرهنگی، ادبی و هنری و مخصوصاً صنفی انجمن تاکسیران می‌شود. هیئت مدیره انجمن از کلیه اعضای عزیز تقاضا می‌کند که در این جلسه حتماً شرکت کنند.

- اعضای محترمی که به هر علت، معذور از شرکت در این جلسه هستند می‌توانند به عضو دیگری وکالت دهند.

- رأی‌گیری رأس ساعت ۲۰,۰۰ انجام می‌گیرد. از اعضای عزیز خواهشمندیم که رأس ساعت ۱۹,۰۰ در جلسه حضور یابند.

- هر عضوی می‌تواند حداکثر به ۵ نامزد انتخاباتی هیئت مدیره رأی دهد. برگه‌هایی که بیشتر از ۵ نفر علامت خورده باشد باطل می‌گردد.

اسامی نامزدهای انتخابات هیئت مدیره سال ۲۰۱۴

۱ - مهرداد	اجلال منش	۶ - خانم زهره	ستوده
۲ - سعید	بادرنگ	۷ - محسن	عراقی
۳ - محسن	بهرامی	۸ - اکبر	کاشانی
۴ - خانم سوسن	جوشنی	۹ - داریوش	معراجی
۵ - مسعود	چیزری		